

خجسته باد اول مه، روز جهانی زحمتکشان!



بیانیه جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران به مناسبت اول مه

امسال کارگران جهان در شرایطی اول مه را برگزار می‌کنند که دنیا در اوضاعی سخت برآشفته، برهم‌خورده و بحرانی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپولیتیک قرار دارد. در این شرایط پرالتهاب و بغرنج، بیش از همه وضعیت کار، زندگی و محیط زیست مردمان زحمتکش و فرودست کشورهای جهان است که رو به وخامت و نابسامانی می‌روند. پوپولیسم راست، ناسیونالیسم، بنیادگرایی دینی، دموکراسی ستیزی و برابری ستیزی در همه جا، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، دست بالا را گرفته و به پیش می‌تازند. این سلطه‌های ارتجاعی و سیادت‌طلبانه، که به بیدادگری و جنگ‌افروزی می‌انجامند، بیش از همه آزادی و بهزیستی مردمان زحمتکش و تهیدست جهان را مورد تهدید و تهاجم خود قرار می‌دهند.

با این حال اما، زحمتکشان جهان، در وفاداری به آرمان‌های

ضداستثماری، ترفیخواها نه، دموکراسیخواها نه و برابری طلبانه‌ی خود و در بزرگداشتِ اعتصابات عظیم کارگریِ شیکاگو در سال ۱۸۸۶ برای خواست هشت ساعت کارِ روزانه، این روز تعطیلِ عمومی را هر ساله در اکثر شهرهای جهان جشن می‌گیرند. کارگران در چنین روزی، با راه‌پیمایی‌های پر شکوه خود، اول مه را تبدیل به روز همبستگی بین‌المللیِ کارگران و زحمتکشان سراسر جهان می‌کنند.

اما در جمهوری اسلامی ایران، گارگران، بدون برخورداری از حق و آزادیِ ایجاد تشکله‌ها و سندیکاها، مستقل خود، اجازه و امکان برگزاری هیچ راه‌پیمایی را به نام خود و به طور آزاد و مستقل از برنامه‌های دولت و شاخه‌های اسلامی فرمایشی آن و حتی در محیط‌های کاری چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی ندارند. کارگران و فعالان کارگری در شرایط کنونی نه تنها نمی‌توانند مطالبات و خواسته‌های به حق و خاص خود را طرح و اعلام نمایند، بلکه در صورت هر اقدام، اعتراض، تحصن یا تظاهرات جمعی، مشترک و یا مستقل، مورد سرکوب قرار می‌گیرند و به زندان‌های طولانی، شکنجه و حتی مرگ محکوم می‌شوند.

برای نمونه سپیده قلیان برای دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه چند سالیست که در زندان به سر می‌برد و یا پخش‌شان عزیزی، و ریشه مرادی و شریفه محمدی بخاطر دفاع از حقوق کارگران به اعدام محکوم شده‌اند.

زحمتکشان ایران، اگرچه از بدو شکل‌گیری جمهوری اسلامی در وضعیت بد و نابسامانی قرار داشته‌اند، اما در چند سال اخیر شرایط کار و زندگیِ آن‌ها، همانند دیگر اقشار کم درآمد اجتماعی، غیرقابل تحمل شده است. نرخ بسیار بالای بیکاری، قراردادهای پیمانی، وضعیت اسفبار بهداشت، درمان و بازنشستگی، پایین بودن دستمزدها نسبت به تورم نجومی و هزینه‌های بالای زندگی... سال‌ها است که گریبانگیر کارگران و زحمتکشان شده‌اند. از دیگر عوامل نارضایتی و اعتراضات کارگران، می‌توان ورشکستگی اقتصاد و تولید، فساد و رانت خواری، افزایش شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی و همچنین روند خصوصی‌سازی‌های بی‌رویه با سپردن شرکت‌های تولیدی به "خودی" ها و کارفرمایان نالایق و سودجو را نام بُرد.

در جامعه‌ی ایران، زیر سلطه‌ی دین‌سالاری و پدرسالاریِ اسلامی، زن‌ستیزی، تبعیض جنسیتی، مردسالاری و تفاوت حقوق و دستمزد زنان با مردان، به‌ویژه در محیط کار و کارگری، نتیجه اش ستمی است

دوچندان بر زنان کارگر مضاعف بر استثمار و بی‌دادگری عمومی که بر همه‌ی زحمتکشانِ مرد و زن اعمال می‌شود. زنان را یا استخدام نمی‌کنند و اگر می‌کنند دستمزدی بسی پایین‌تر از مردان به آنان می‌پردازند و با حق و حقوقی کمتر. زنان کارگر به آسانی و به دلایلی پوچ، مانند عدم رعایت حجاب اجباری، اخراج و بیکار می‌شوند.

استثمار نیروی کار کودکان در ایران بخشی دیگر از ستمی است که در محیط کار اعمال می‌شود. کودکانِ کار علاوه بر زباله‌گردی و دست فروشی، از جمله در کارگاه‌های مستقل زیرزمینی چرم و تهیه کیف و کفش و ریسندگی مشغول به کار هستند، کودکانی که بارها مورد آزار و خشونت‌های کلامی و جسمی قرار می‌گیرند. بنا بر پژوهش‌های رسمی در ایران، تعدادی از کودکان به دلایل مختلف از جمله فقر خانوارها در اشکال مختلفِ «کارِ کودک» مشغول به کار هستند. در ایران بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سنین به‌عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. به عبارتی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار می‌کنند. این‌ها همه در مغایرت کامل با کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره‌ی منع کار کودکان و دفاع از حقوق آنان می‌باشند.

بنا بر گزارش‌های میدانی در ایران از سوی فعالان جامعه‌ی مدنی و کنشگران کارگری، اعتصابات و اعتراضات کارگران و کارکنان در سال ۱۴۰۳، شامل کارگران و کارمندان دائمی، موقت، پیمانی، پروژه‌ای مربوط به بخش خصوصی یا دولتی شاغل در شرکت‌ها، مؤسسات، ادارات، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها یا کارگران آزاد ساختمانی و تاسیساتی یا کارگران بیکار در ایران می‌شود. اینان در اعتراض به گرانی، تورم بالا، حقوق و دستمزدهای پایین، معوقات مزدی، کوچک شدن سبد معیشتی و زندگی در زیر خط فقر، برای رسیدگی به مشکلات قانونی و نارسایی‌های شغلی و معیشتی، رفع تبعیض و مقابله با گرانی و ستم موجود نسبت به آنها دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند.

بنا بر همین گزارشات، آمار ثبت شده تجمعات اعتراضی و اعتصاب کارگری در یک سال اخیر، در مجموع بیش از ۱۳۷۰ مورد بوده است که عمده‌ی آن‌ها مربوط به مطالبات مزدی است. همچنین دست کم ۶۸۵ تن در سوانح کاری کشته شدند و بیش از ۴۵۴۰ مورد صدمات جسمی به کارگران در حین کار گزارش شده است. مرگبارترین حادثه در معدن ذغال سنگ طبس در ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ اتفاق افتاد با ۵۲ تن کشته و

دستکم ۲۰ تن مجروح، همچنین سه حادثه معدن از ۱۷ تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۴ در ایران رخ داده اند که بر اساس گزارشها، در مجموع به مرگ ۹ نفر منجر شده است. این حوادث مرگبار بار دیگر موضوع بی توجهی به مسائل ایمنی معادن را مطرح کرده است. حادثه اول روز ۱۷ فروردین در روستای عبدالله آباد مهاباد اتفاق افتاد و به مرگ یک کارگر منجر شد. حادثه دوم روز ۱۸ فروردین در معدن مهماندویه دامغان که یک معدن خصوصی است، رخ داد و منجر به مرگ هفت نفر شد. در حادثه سوم که خبر آن روز ۲۰ فروردین منتشر شد، گزارش شده که یک کارگر در بجستان در خراسان رضوی جانش را از دست داده است.

زحمتکشان ایران در مبارزات خود، اگرچه صرفاً مطالبات صنفی خود را دنبال میکنند، اما در خلال برخی از اعتراضات، خواستهای سیاسی و فراصنفی-اقتصادی را نیز مطرح کرده اند. برای نمونه آزادی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، آزادی بیان، به نقد کشیدن ولی فقیه و سیاستهای ناکارآمد دولت که در شعارهایشان بیان شده.

مبارزات و اعتراضات کارگری و به طور کلی مدنی در ایران، تنها از راه اعتلای حرکتهای صنفی، مطالباتی و معیشتی به سطح مبارزات سیاسی و اجتماعی گسترده، سراسری، متشکل و آگاه علیه تمامیت نظام جمهوری اسلامی و در راستای تحقق آزادی، جمهوری، دموکراسی، برابری و جدایی دولت و دین (لائسیته)، قادر به ایجاد شرایط و زمینههای مناسب برای انجام تغییرات اجتماعی اساسی و ساختاری به سوی یک زندگی بهتر خواهند شد. این نیز تنها از طریق همسویی، همکاری، تشکلیابی و در هم آمیختگی و همبستگی جنبشهای اجتماعی متعدد، به صورتی مستقل از حاکمان و همچنین از رهبریهای خودساخته و مردم فریب، به گونه ای خود مختار و متکی به خود، میتواند ممکن و میسر گردد. به بیانی دیگر، از راه همبستگی و پیوند جنبشهای کارگری و زحمتکشی شهر و روستا با جنبش زنان، دانشجویان، جوانان، معلمان، بازنشستگان، اقوام و دیگر جنبشهای مدنی... در مقابله با دیکتاتوری و دین سالاری.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران از همه ی خواستها و مطالبات به حق جنبش کارگری و زحمتکشان در ایران، از جمله آزادی تشکل و سندیکای مستقل کارگری، افزایش دستمزدها، بیمه کار و بازنشستگی، آزادی و لغو حکمهای اعدام مدافعان کارگری و کنشگران سیاسی پشتیبانی میکند. به مناسبت روز جهانی کارگر، بار دیگر بر تعهد همه جانبه خود در دفاع از مبارزات زحمتکشان و جنبشهای

مدنی علیه نظام تمامیتخواه جمهوری اسلامی تأکید می‌ورزیم و بازتاب‌دهنده‌ی خواسته‌ها و اعتراضات آنان در خارج از کشور می‌باشیم.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱ مه ۲۰۲۵ - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران